Theories and criticism in Arabic literature
The Third Year, Number ٩, Spring١٤٠٢
Pp: ٥٧-٧٤

Research Paper
DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٤٨٧٤٠٦,١٠٤٥

Analyzing and examining the rhetoric of introduction and delay in Surah Al-Imran based on Elahi Qomsha'i's translation

Amenh Mohammadzadeh [١]

Sobhan Kavosi [٢]

Mohammad Ghaforifar [٣]

(Received: ٢٠٢٤,١١,٠٦,Accepted: ٢٠٢٥,٠١,١٢)

Abstract

Investigating the way words are arranged in the phrases of the Holy Quran and replacing one word with another word, which is done to increase the beauty of the appearance or to express a specific point of meaning. In science, the meanings under the title "presentation and delay" are discussed, and scholars of Quranic sciences and commentators have explained it accordingly. The present research, using descriptive analytical method, with the aim of investigating the external and content beauty of the Quran in universal and contemporary interpretations of the Quran, has investigated the issue of "presentation and delay" in Surah Al-Imran, which is organized by collecting, classifying and analyzing the items mentioned in this Surah. After mentioning the types of offering and delaying and examining Quranic offering and delaying from different perspectives and referring to the offering and delaying mentioned in Surah Al-Imran, the results indicate that: The most important purposes of presentation and delay in the verses of the Qur'an are limitation and appropriation, emphasis on the importance of the subject, expression of honor and virtue, expression of greatness, expression of existential priority, attention to the context, expression of the ugliness of the subject and compliance with the intervals of the verses. Also, in some cases, this research has not accepted the opinion of the predecessors in some word changes.

Keywords: Rhetoric, the beauties of the Qur'an, introduction and delay, Surah Al-Imran.

---

١. Master of Arts in Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: mohammadzadeh.ameneh

٢. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: sobhan.kavosi@yahoo.com (Responsible author).

٣. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: m.ghafourifar٦٥@gmail.com

© The Author(s). **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثالثة، العدد ٩، ربيع ١٤٠٢

صص: ٧٤-٥٧

مقاله پژوهشی

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٤٨٧٤٠٦,١٠٤٥

تحلیل و بررسی بلاغت تقدیم و تأخیر در سوره آل‌عمران با تکیه بر ترجمه الهی قمشه‌ای

آمنه محمدزاده [١]

سبحان کاوسی [٢]

محمد غفوری فر [٣]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶ ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳)

چکیده

بررسی نحوه چینش کلمات در عبارات قرآن کریم و جابجایی واژه‌ای با واژه دیگر که به جهت افزایش زیبایی ظاهری یا بیان نکته‌ای خاص معنایی انجام شده است. در علم معانی ذیل عنوان «تقدیم و تأخیر» مورد بحث قرار می‌گیرد و دانشمندان علوم قرآنی و مفسران نیز به تناسب، به تبیین آن پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به روش تحلیلی توصیفی، با هدف بررسی زیبایی‌های ظاهری و محتوایی قرآن در تفاسیر همه فهم و معاصر قرآن، به بررسی مسئله «تقدیم و تأخیر» «در سوره آل‌عمران» پرداخته است که با گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل موارد مذکور در این سوره سامان‌یافته است. پس از ذکر انواع تقدیم و تأخیر و بررسی تقدیم و تأخیرهای قرآنی از دیدگاه‌های مختلف و اشاره به تقدیم و تأخیرهای ذکرشده در سوره آل‌عمران نتایج حاکی از این است که مهم‌ترین اغراض تقدیم و تأخیر در آیات قرآن، حصر و اختصاص، تأکید بر اهمیت مطلب، بیان شرافت و فضیلت، بیان عظمت، بیان تقدم وجودی، توجه به سیاق، بیان قبح مطلب و رعایت فواصل آیات است. همچنین این تحقیق در برخی موارد نظر متقدمان در برخی جابجایی‌های کلمات را نپذیرفته است.

واژگان کلیدی: بلاغت، زیبایی‌های قرآن، تقدیم و تأخیر، سوره آل‌عمران.

---

١. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، ایمیل: mohammadzadeh.ameneh

٢. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، ایمیل: sobhan.kavosi@yahoo.com (نویسنده مسئول)

٣. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، ایمیل: m.ghafourifar٦٥@gmail.com

© حق مولف نویسندگان **ناشر:** دانشگاه کوثر

مقدمه

در هر زبانی برای ترتیب واژگان جمله، «اصلی» وجود دارد که البته رعایت این اصل گاهی واجب و در مواردی ممتنع و در مواردی نیز جایز است. جواز در امر تقدیم‌وتأخیر بستگی به بافت متن دارد که نویسنده بسته به توان و هنرش، در متن خویش بدان مبادرت می‌ورزد و اوج این هنر را در قرآن مشاهده می‌کنیم. در قرآن آیه‌هایی باهمان واژگان چند بار تکرار شده‌اند؛ اما در هر بافتی که قرارگرفته‌اند، ترتیب و ساختار آن‌ها متفاوت گشته و باعث اختلاف معنا شده است. یکی از ویژگی های قرآن، وجود بلاغت و تقدیم و تاخیر میان آیات هر سوره است. هر چند در نگاه اول آیات سوره‌های قرآن پراکنده به نظر می‌آید اما با توجه به حکمت خداوند مبنی بر هدفمندی آیات، پیوند موضوعی، ساختاری و محتوایی میان تمام آیات مشاهده می‌گردد که این پیوند بیانگر نوعی پیوستگی و زیبایی میان آیات است. با این نگاه مخاطب به بسیاری از لطایف و نکات تفسیری توجه نموده و بر مقدار بیشتری از زوایای هماهنگ و پنهانی قرآنی دست یافته است. در واقع مجموعه‌نگری به آیات قرآن، دریچه‌ای دیگر از تفسیر قرآن است که در پرتو آن، آثار ارزشمندی در زمینه تفسیر و علوم قرآن پدید آمده است. این نوع تفسیر و نیز تفسیر موضوعی، پیوندی استوار با بحث بلاغت و تقدیم و تاخیر دارند (مسلم، ۱۴۱۸: ۶۵۵).

تقدیم و تأخیر واژگان تنها یک جابجایی ساده میان آنها نیست که هر متکلم یا نویسنده‌ای با رعایت ضوابطی که نحویان یا دانشمندان بلاغت در کتابهای خود در این موضوع بدان اشاره کرده‌اند، میتواند واژه‌ای را مقدم و واژه‌ای دیگر را مؤخر کند و مترجم هم با آشنا شدن به همین ضوابط و قواعد تقدیم و تأخیر در زبان مقصد، برای تقدیم و تأخیرهای قرآنی می‌تواند به راحتی معادل‌سازی کند (شهبازی و امیدعلی، ۱۳۹۶: ۲۰) رشید رضا می‌گوید: «نظم قرآن و اسلوب آن تأثیری در جان شنونده می‌گذارد که با ترجمه قابل انتقال نیست و در اثر ترجمه تأثیر آوایی، آهنگ‌ها و ریتم‌های حاصل از نظم قرآنی از بین می‌رود» (رشید رضا، بی‌تا، ۹: ۳۲۸)

روش و هدف تحقیق

نوشتار حاضر سعی کرده با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی بلاغت تقدیم و تأخیر در سوره آل‌عمران بپردازد. هدف از انجام این پژوهش بررسی زیباشناسانه این اسلوب و ظرافت‌های آن است. این بررسی نشان می‌دهد که زیبایی این هنر در پرتو نظریه سیاق یا نظم واژگان قابل‌فهم بوده و در پرتو همین نظریه، ترجمه‌ی هر متن ادبی به ویژه قرآن دارای نظم فرابشری است مشکل است؛ اما با این وجود می‌توان با یافتن معادلی مناسب در زبان مقصد به ترجمه برخی از تقدیم و تأخیرها مبادرت ورزید؛ هر چند در ترجمه‌های مورد بررسی غالب تقدیم و تأخیرها مغفول مانده‌اند. لذا یکی از سوره‌هایی که با توجه به بلاغت تقدیم و تأخیر بیشتر به لفظ و معنی آن پی می‌بریم سوره آل‌عمران است که در این پژوهش به بلاغت تقدیم و تأخیر به‌کاررفته در آن پرداخته می‌شود.

سؤالات تحقیق

تقدیم و تأخیر تا چه اندازه در رسیدن به معنای موردنظر مؤلف و پرده برداشتن از نکات معنایی و اسرار پنهان آیات سوره آل‌عمران مؤثر است؟

غرض بلاغی و معنای ثانویه تقدیم و تأخیر در آیات سوره آل‌عمران چیست؟

پیشینه تحقیق

داوری چلقائی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «تقدیم و تاخیر» در تفسیر احسن الحدیث انجام دادند. پژوهش حاضر با هدف بررسی زیبایی‌های ظاهری و محتوایی قرآن در تفاسیر همه فهم و معاصر قرآن، به بررسی مسئله «تقدیم و تاخیر» در «تفسیر احسن الحدیث» آیت الله قرشی پرداخته است. شهبازی و امید علی (۱۳۹۶ ش) در مقاله‌ای با عنوان «*تقدیم و تأخیر و بازتاب آن در ترجمه قرآن*» به بررسی زیباشناسانه اسلوب تقدیم و تأخیر در آیات قرآنی و ظرافت‌های آن پرداخته و پس از انتخاب آیاتی از قرآن به بررسی و نقد ترجمه‌های معزی، انصاریان و فولادوند پرداخته‌اند.

همتی و دیگران (۱۳۹۷ ش) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی معنای معنا و بررسی زیباشناسی آن در قرآن کریم مطالعه موردی تقدیم و تأخیر در ده آیه مشابه» به بررسی آیات مشابه دارای اسلوب تقدیم و تأخیر پرداخته و به معانی فرعی و جانبی یا معانی دوم که از آن استنباط می‌شود، اشاره نموده‌اند.

جوادی (۱۳۹۹ ش) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی جایگاه تقدیم و تأخیر آیات در روایات تفسیری» با تکیه بر مستندات روایی ائمه (ع) به تحلیل آیاتی از قرآن با رویکرد تقدیم و تأخیر پرداخته و اهمیت این دانش را در تفسیر قرآن و واکاوی تأکید ائمه به فراگیری آن، تبیین نموده‌اند.

محجوب و ترکمانی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل انتقادی دیدگاه مفسران پیرامون تقدیم و تاخیر آیات متشابه لفظی مورد پژوهی: آیات ۵۸ سوره بقره و ۱۶۱ سوره اعراف» نشان داد مشابه یا متشابه لفظی بر آن دسته از آیه‌ها و جمله های قرآنی اطلاق می‌شود که به طور کامل یا با اندکی تغییر بیش از یک بار تکرار شده اند.

نامداری و بابازاده اقدم (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «شکستن نرم معمول زبان (تقدیم، تاخیر و التفات) در جزء ۲۷ قرآن کریم» انجام گرفت این پژوهش می‌کوشد تا با روش تحلیلی توصیفی، بهره مندی قرآن از امکانات زبانی و شگردهای زیبایی آفرینی را با ارائه نمونه هایی از آشنایی زدایی درآیات شریف جزء ۲۷ قرآن به تصویر کشد.

ظفری ، همتی و محبتی(۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان «واکاوی معنای معنا و بررسی زیباشناسی آن در قرآن کریم (مطالعه موردی تقدیم و تاخیر در آیات مشابه)» را انجام دادند. این مقاله بر آن است با مقایسه تقابل های متناسب آیات تقدیم و تاخیر، و نیز با بهره‌گیری از معنای معنا و دلالت های جانبی، دریچه تازه ای از زیبایی های بیانی قرآن را بگشاید.

نبی احمدی، امانی، و مرزبانی، (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «معانی تقدیم و تاخیر ساختارهای متشابه قرآن با تکیه بر تفاسیر مجمع البیان، المیزان و نمونه» انجام دادند.

نیازی فرد، و احمدزاده، (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تقدیم و تاخیر در قرآن از نگاه طباطبایی نشان داد. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن اثر محمدحسین طباطبایی از مهم ترین تفاسیر معاصر شیعه است که به روش تفسیر قرآن با قرآن نوشته شده است.

به‌طورکلی می‌توان گفت قطعاً در باب تقدیم و تأخیر تحقیقاتی انجام گرفته است؛ اما هر سوره و آیه نکات بلاغی خاصی را داراست که پرداختن به آن می‌تواند نکات جدید و تازه‌ای را به خوانندگان عرضه کند.

تعریف تقدیم و تأخیر

«تقدیم» از ریشه «قدم» به معنای سبقت در امر است (فراهیدی، ۱۱۲: ۱۴۰۵) و در باب‌های مختلف مزید ازجمله افعال، تفعیل، تفعل و استفعال برای تعدیه به کار می‌رود (ازهری، بی‌تا: ۱۵۸). لذا تقدیم به معنای جلو انداختن است (قرشی، ۱۳۹۸: ۲۵۷) که در آیات قرآن مانند آیه ۱۳ سوره قیامت «يُنَبَّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ» به همین معنا به‌کاررفته است. تأخیر از ریشه «أخر» ضد تقدیم است (فراهیدی، ۱۴۰۵: ۳۰۳) که در آیات قرآن نیز این تقابل دیده می‌شود مانند آیه «ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّرَ» (الفتح/ ۲) و آیه «فَإِذا جاءَ أَجَلُهُمْ لا يَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً وَ لا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف /۳۴) و (نحل /۶۱)، در این عبارت «يَسْتَأْخِرُون» به معنی تأخیر افتادن و «يَسْتَقْدِمُونَ» به معنای جلو افتادن است (قرشی ، ۱۳۹۷: ۴۰۱) (و آخَر) با فتح به معنای دیگری (ازهری، بی‌تا: ۲۲۷) و آخِر (با کسر) مقابل اول (ازهری، بی‌تا: ۲۲۷) از همین ریشه مشتق شد ه اند. (مصطفوی،۱۴۳۰: ۴۶).

معنای اصطلاحی تقدیم و تأخیر از معنای لغوی مشتق شده و مربوط به جابجایی کلمات یا عبارات در آیات قرآن کریم است، لذا بیشتر محققان از ارائه تعریفی برای آن اجتناب کرده‌اند ولی می‌توان آن را چنین تعریف کرد: تقدیم و تأخیر عبارت است از جابجایی کلمات قرآن کریم در جمله از جایگاه اصلی خود بنا بر ضرورت نحوی یا بیان نکات بلاغی، همچنین مقدم شدن عبارتی بر عبارت دیگر در چند جمله مرتبط با یک موضوع مشخص.

انواع تقدیم و تأخیر

بر اساس تعریف فوق می‌توان انواع مختلفی از تقدیم و تأخیر را برشمرد:

– تقدیم کلمه‌ای بر کلمات دیگر در عبارت قرآنی مانند «وَ لِلّهِ الأَسْماءُ الْحُسْنى» (اعراف/۱۸۰) که الله مقدم شده است و بیانگر کمال اسامی حسنای پروردگار نسبت به دیگران است. (قرشی، ۱۳۹۷: ۵۶)

– تقدیم عبارتی بر عبارت دیگر مانند تقدیم نمازگزاران بر صدقه دهندگان و تصدیق‌کنندگان قیامت در عبارت «إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ» (معارج ۲۲–۲۶) که تقدیم نماز بر سایر افعال به علت شرافت آن است. (قرشی، ۱۳۹۷: ۳۴۱)

– تقدیم معمول بر عامل نظیر را «هؤلاء إيّاكم كانوا يعبدون» (سبأ / ۴۰) و تقدیم معمول بر معمولی دیگر که در اصل معمول مؤخر باید مقدم باشد نظیر «و لقد جاء آل فرعونَ النّذُرُ» (قمر/ ۴۱) و تقدیم خبر کان بر اسم آن نظیر «و لم يكن له كفوا أحد» (إخلاص /۴) ذیل همین عنوان قرار می‌گیرند

– تقدیم آنچه ازنظر زمانی مؤخر است نظیر «فلله الآخرة و الأولى» (نجم/۲۵).

– تقدیم برتر بر برترین نظیر« برب هارون و موسى» (طه/۷۰).

– تقدیم ضمیر بر آنچه ضمیر مقدم را تفسیر می‌کند نظیر «فأوجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَة موسى» (طه/ ۶۷).

– تقدیم صفت جمله (جمله وصفیه) بر صفت مفرد نظیر «و نُخرج له يوم القيامة كتاباً يَلْقَاهُ مَنشُورا» (إسراء/۱۳).

تأثیر تقدیم و تأخیر در بلاغت

علم بلاغت بر اساس ترتیب الفاظ و موقعیت زیبای آن‌ها شکل‌گرفته است؛ بنابراین اسلوبی قوی و زیباست که در آن هر کلمه در جایگاه خود قرارگرفته باشد؛ یعنی هرچقدر لفظ زیبا و معنا روشن‌تر باشد آن کلام از بلاغت بیشتری برخوردار است و برعکس این مسئله هم صادق، است هرگاه زیبایی ترتیب لفظی رعایت نشود، ترتیب ذهنی هم به سبب تعقید لفظی بر هم می‌ریزد؛ بنابراین حتی شاعر هم تنها به جهت اقتضای وزن کلماتی را مقدم یا مؤخر نمی‌دارد، چراکه در این صورت فقط یک ناظم بوده و شعرش هیچ نشاط، شادابی و ارزش هنری نخواهد داشت؛ اما او از درک مشخصی از امور پرده برداشته و تمایلات درونی خود را به تصویر می‌کشد، در این هنگام اشکالی ندارد که این هدف معنوی با دیگر ارزش‌های ساختاری همچون وزن و موسیقی داخلی و غیره همسو و هماهنگ شود که این خود بیانگر این است که تقدیم‌وتأخیر در شعر نیز همانند نثر، با درک و بینش رابطه مستقیم داشته و باهدف ارائه معنایی، قوی همراه باصداقت تعبیر و زیبایی عبارت شکل می‌گیرد.

بلاغت تقدیم و تأخیر در سوره آل‌عمران

برای تقدیم و تأخیر حکمت‌های متعددی چون تعظیم، تشریف، مناسبت، تأکید و تشویق، حصر و ... ذکر کرده‌اند. (سیوطی، ۱۹۹۸: ۵۲۵ ـ ۶۲۹) قرآن نیز با بهره‌گیری از این اسلوب، مفاهیم والای خود را برای مخاطبان بیان کرده است.

«در تقدیم و تأخیر آنچه بیشتر اهمیت دارد و با حوزه زیبایی‌شناسی متن ارتباط استوارتری دارد، تقدیم نوع اول، یعنی تقدیم با نیت تأخیر است. تقدیم نوع دوم، حاوی تغییر ارکان جمله و درنتیجه برجسته‌سازی نیست؛ به عبارت صحیح‌تر می‌توان گفت در حالت دوم اصلاً تقدیمی صورت نگرفته است که با این تقدیم، کلام برجسته شود.» (مقیاسی و فرجی، ۱۳۹۵: ۹۱)

در حقیقت زمانی که یکی از اجزای جمله برخلاف معیار اصلی، از جایگاه خود خارج می‌گردد، توجه مخاطب را بر می‌انگیزد؛ زیرا او در ذهن خود معیاری مشخص از ترکیب جمله دارد. لذا قرآن کریم معجزه جاویدان خداوند و زیباترین سخن است. و مطالعه تقدیم و تأخیر که یکی از دانش‌های قرآنی است و این دانش پیوندهای هنری و بلاغی چینش واژه‌ها و نظم و ترتیب آیات را در قرآن مورد بررسی قرار می‌دهد و انسجام و تناسب لفظی و معنایی را در آن اثبات می‌کند. لذا ما می‌خواهیم تقدیم و تأخیر را در آیات سوره آل‌عمران را مورد بررسی و پژوهش قرار دهیم.

تاریخ‌شناسی سوره‌ی آل‌عمران

نام این سوره از داستان خاندان عمران؛ پدر حضرت مریم (س) مادر حضرت عیسی (ع) گرفته شده که در این سوره از آن‌ها یادشده است. در تفسیر «أحسن الحدیث» درباره‌ی علت این نام‌گذاری آمده است: «نام‌گذاری به (آل‌عمران) ظاهراً به علت آمدن ماجرای نذر همسر عمران ولادت مریم و ولادت عیسی (ع) در این سوره است و از باب تسمیه‌ی کل به نام جزء است.» (قُرشی، ۱۳۶۶: ۲/۱).

از برخی روایات این‌گونه به نظر می‌رسد که این سوره در ابتدا نام مشخصی نداشته است. مثلاً در روایتی، ابن عباس از پیامبر (ص) روایت کرده که آن، حضرت درباره‌ی سوره‌ی آل‌عمران فرموده‌اند: «مَنْ قَرأ السورة التی یُذْکَرُ فیها آل‌عمران یوم الجمعة صَلّی الله علیه و ملائکته حَتّی تَغیب الشمس» (ثعلبی، ۱۴۲۲ ۳/۵).

برای این سوره نامهای دیگری همچون «کنز»، «مجادله» و «استغفار» روایت شده و حتی در روایتی نقل شده که نام این سوره در تورات «طیبة» است که به خاطر سنگینی تلفظ عرب‌ها آن را در گفتار خود استفاده نمی‌کنند. (آلوسی، بی‌تا ۳/۷۳). این سوره به خاطر وجود مطالبی درباره جنگ بدر، اُحد و مطالبی درباره‌ی یهود و نصارا، به‌ویژه هیئت نصارای نجران از سوره‌های مدنی به حساب آمده ولی درباره‌ی زمان نزول و ترتیب آن اختلاف وجود دارد. سیوطی یکی از زمان‌های نزول آن را بعد از سوره‌ی «أنفال» می‌داند و می‌گوید: «أُنزِلَ بالمدینة سُورة البقرة ثُمّ آل‌عمران ثُمّ الأحزاب» (سیوطی، ۱۳۹۸: ۱/۱۴)

بلاغت تقدیم و تأخیرهای سوره آل‌عمران

زمخشری تقدیم جار و مجرور در آیهٔ «بسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ» را چنین تحلیل می‌کند: اگر گفتی: باء به چه چیزی تعلق دارد؟ می‌گویم: متعلق به محذوف مقدّر است؛ یعنی «بسم الله اقرا »یا « اتلو » برای اینکه آنچه بعد از «بسم الله» می‌آید خوانده می‌شود؛ همان‌طور که مسافر زمانی که درجایی اقامت گزیند یا سفر کند و بگوید «بسم الله و البرکات» به این معنی است که: با نام خدا اقامت می‌گزینم و با نام او سفر می‌کنم. نیز قربانی کنندهٔ قربانی و هر فاعلی که فعل خود را با «بسم الله» شروع کند فعل مختص آن چیزی را که آغاز کرده، در تقدیر می‌گیرد. مثل حذف متعلق جار و مجرور در این فرمودهٔ پروردگار عزّ و جلّ: «فِي تِسْعِ آیاتٍ إِلی فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ» (سوره نمل/۱۲) نیز گفتار عرب در دعا برای عروس و داماد «بالرفاء و البنین» و نیز این گفتهٔ بادیه‌نشین «بالرفاءِ و البنینَ » به معنی (أعرَستَ، أو نکَحتَ) (الجرجانی، ۲۰۰۸: ۱)

بلاغت تقدیم و تأخیرهای سوره آل‌عمران

«و َإِنّ اللّهَ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِي الأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (آل‌عمران/۵)؛ «همانا چیزی در آسمان و زمین از خدا پنهان نیست.» (الهی قمشه‌ای)

در این آیه، «الأرض» جهت دلالت بر ترقی از پایین به بالا بر «السماء» مقدم شده است؛ زیرا زمین از نظر درجه و موقعیت پایین‌تر از آسمان قرار می‌گیرد و این تقدم حاکی از تکامل از مرحله پایین به مرحله بالا است همچنین به گناهانی که بندگان، روی زمین مرتکب می‌شوند، اشاره دارد و در واقع تهدیدی برای ساکنان زمین است؛ به عبارت دیگر، انسان‌های روی زمین مخاطب این تهدید هستند که با خبر دادن از احاطه علم خدا به همه چیز و از جمله اعمال انسان‌ها بیان‌شده است .

تحلیل: در این آیه با توجه به دلالت تقدم «الْأَرْضِ» بر «السّماء» ضروری است در ترجمه نیز این تقدم رعایت شود که در ترجمه فارسی الهی قمشه‌ای مراعات نشده است. همچنین است جهت انعکاس دلالت تهدید نهفته در آیه از واژه‌های تأکیدی نظیر قطعاً، مسلماً، بی‌شک و ... استفاده شود.

«لَا يَتّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللّهِ فِي شَيْءٍ إِلّا أَنْ تَتّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذّرُكُمُ اللّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللّهِ الْمَصِيرُ» (آل‌عمران/۲۸)

«وَإِلَى اللّهِ الْمَصِيرُ »؛ تقدیم جار و مجرور خبر مقدم بر مبتدا است که ((الی الله)) بر ((المصیر))تقدیم شده است. وعلت تقدیم خبر بیان توجه و اهتمام و حصر از این جهت است که بازگشت همه فقط به سوی خداوند است. تقدیم مجرور در این آیه برای اهتمام و حصر صورت گرفته است.

تحلیل: به طور خاص پایان کار به سوی پروردگار توست؛ و این معنای تقدیم مفعول است که نشان می‌دهد تقدیم بر اختصاص دلالت دارد، البته معلوم است که ایشان در روز قیامت در جایی که همهٔ مخلوقات گرد آمده‌اند به چیزهای بیشماری مینگرند، مؤمنان هم که در امنیت هستند و هیچ بیم و اندوهی ندارند، آن روز را نظاره‌گر هستند؛ بنابراین اختصاص خداوند به نگاه آنان، البته اگر قابل دیدن باشد، امری محال است، پس باید آن را بر معنایی گرفت که اختصاص با آن درست باشد و آنچه با آن صحیح است، این است که از گفتار مردم باشد.

«إِنّ اللّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ و آل‌عمران عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل‌عمران/۳۳)؛ به حقیقت خدا برگزید آدم و نوح و خانواده ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان.

و علت تقدیم آدم بر نوح و نوح بر آل ابراهیم و آل ابراهیم بر آل عمران بیان تقدیم و ترتیب زمانی است.

یعنی دلالت بر تقدم آنان از نظر تاریخ تولد و دوره زمانی حیات آنان در دنیا دارد و بیانگر ترتیب برتری نیست زیرا حضرت آدم تنها مقام نبوت داشت و نوح علاوه بر مقام، نبوت مقام رسالت نیز داشت و بلکه از پیامبران اولی العزم است و ابراهیم از همه پیامبرانی که در این آیه ذکر شده است برتر بود.

تحلیل: در ترجمه این آیه نیز جهت انعکاس دلالت موجود لازم است اسم‌های انبیاء به همان ترتیب ذکر شده در آیه بیان شود و از تقدم و تأخر نام انبیاء برخلاف ترتیب موجود پرهیز شود که ترجمه فارسی الهی قمشه‌ای با رعایت تقدم و تأخر واژگان آیه، دلالت موجود را منعکس کرده است.

«فَلَمّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىوَاللّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنّي سَمّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِيّتَهَا مِنَ الشّيْطَانِ الرّجِيمِ» (آل‌عمران/۳۶)

«وَلَيْسَ الذّكَرُ كَالْأُنْثَى» که کلمه «الذکر» بر «الانثی» تقدیم شده است و علت آن را می‌توان بیان اهتمام و توجه به پسر بودن و ترجیح آن بر دختر از سوی مادر حضرت مریم دانست.

ترتیب اصلی آیه به صورت «وَإِنّي أُعِيذُهَا وَذُرِيّتَهَا بك ...» است اما مادر مریم (س)، پناه دهنده را که خدا است، در کلامش یعنی «بک» بر معطوف (ذُرِيّتَهَا) مقدم کرده است؛ این تقدیم بر بزرگداشت خداوند از سوی مادر مریم و اوج ایمان و تمسک قلبی وی به

رشته‌های محکم توحید دلالت دارد و از آنجا که تنها از خدا پناه می‌جوید، اسم خدا را مقدم می‌آورد. مثل اینکه می‌گوید: «إني أعيذها و ذريتها بک وحدک ليس بأحد سواك» من او و فرزندانش را از شر شیطان تنها در پناه تو و نه کسی غیر از تو می‌سپارم. پناه دهنده [خداوند] را جهت دلالت بر ارزش و اهمیت بالای یاد او و توجه به او بر معطوف [فرزندان مریم] مقدم شده است که پس از ذکر خداوند با اشاره به فرزندان، مریم کلام خویش را تکمیل کرد .

تحلیل: با توجه به تفاوت زبان عربی و فارسی از نظر ساختار، دستوری مترجم به ناچار در ترجمه این آیه دو راه پیش رو دارد یا باید بدون پایبندی به ساختار زبان مبدأ و دلالت موجود در آیه، ترجمه‌ای معنایی بر اساس ساختار زبان مقصد ارائه کند و بگوید: «و من او و فرزندانش را از شر شیطان ملعون به تو سپردم راهی که الهی قمشه‌ای برگزیده است و دلالت بزرگداشت خداوند از سوی مادر حضرت مریم (س) و حصر حفاظت از وی و فرزندانش در خداوند نادیده بگیرد یا ترجمه‌ای بر اساس ساختار زبان مبدأ و تقریباً تحت‌اللفظی ارائه دهد و دلالت و حصر موجود در آیه را به ترجمه منعکس کند.

ترجمه پیشنهادی: و من او و فرزندانش را تنها به تو می‌سپارم از شر شیطان ملعون.

«فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل‌عمران/۳۷)

در آیه مزبور «عَلَيْهَا» که جار و مجرور است بر زکریا که فاعل است جهت دلالت بر اوج اهتمام و توجه به سرگذشت حضرت مریم (س) مقدم شده زیرا داستان پیرامون ایشان و نه حضرت زکریا (ع) است.

تحلیل: در این آیه نیز با توجه به این‌که فاعل در ساختار زبان فارسی در آغاز جمله می‌آید، چنانچه مترجم بخواهد ترجمه‌ای روان و قابل‌قبول در زبان فارسی ارائه دهد، به ناچار باید دلالت موجود در آیه را نادیده بگیرد و بگوید: «هرگاه زکریا در محراب بر او وارد می‌شد، نزدش غذایی می‌دید راهی که الهی قمشه‌ای برگزیده است یا این‌که ترجمه‌ای مطابق ساختار زبان عربی ارائه دهد و فاعل را مؤخر کند و بگوید هرگاه در محراب بر او، زکریا وارد می‌شد ... که تا حدودی نامأنوس به نظر می‌رسد و خواننده را دچار سردرگمی می‌کند. از این رو بهتر است از این آیه و آیات مشابه ترجمه‌ای خواننده محور ارائه و در پاورقی یا پرانتز به دلالت آیه اشاره شود.

«يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»(آل‌عمران/۴۳)

که در این آیه تقدیم سجود بر رکوع اتفاق افتاده است و علت آن بیان اهتمام و اهمیت دادن سجده نسبت به رکوع است.

گرچه «سجود» از نظر ترتیب فعلی و عملی مؤخر از رکوع است، اما از آنجا که نزدیک‌ترین حالت انسان به خدا حالتی است که سر به سجده می گذارد. در این آیه، با هدف دلالت بر برتری و عظمت سجود در قیاس با رکوع مقدم شده است. در این آیه جهت انعکاس دلالت موجود به ترجمه باید علاوه بر مراعات تقدم سجده بر رکوع، از ترجمه این دو واژه به صورت کلی پرهیز کرد که مترجم با ارائه‌ای ترجمه‌ای کلی نماز را با اهل طاعت به جای آن دلالت موجود در آیه را منعکس نکرده است.

«إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ... » (آل‌عمران/۴۵)

تحلیل: همچنین پیرامون دلالت این تقدیم می‌توان گفت مسیح در اینجا صفت مدح برای عیسی(ع) است خواه به خاطر پاکیزگی عیسی(ع) که از هر عیبی پاک بود مسیح در زبان عربی یعنی پاک شده و خواه به خاطر اشاره به معجزه عیسی(ع)؛ زیرا وی دست روی بیماران می‌کشید و به اذن خدا شفا می‌یافتند. یا اینکه صفت فعل است؛ زیرا زمین را می پیمود و از گیاهان و سبزی های زمین می‌خورد و هر کجا شب می‌شد می‌خوابید از این رو ذکر صفت زیبایی دال بر بلند همتی و والامقامی (مسیح) بر ذکر اسم دال بر ذات و سرشت (عیسی) مقدم شده است و این دلالت با آنچه پیرامون تقدیم عنوان مسیح به خاطر شهرت و آوازه آن گفته شد، تعارضی ندارد.

در این آیه نیز جهت انعکاس دلالت نهفته در آیه باید در ترجمه، صفت را بر اسم مقدم کرد که الهی قمشه‌ای با رعایت تقدم و تأخر واژگان، آیه دلالت موجود را منعکس کرده است. ترجمه پیشنهادی خداوند تو را به کلامی از سوی خود بشارت می‌دهد: اسمش مسیح عیسی بن مریم است.

«وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل‌عمران/۴۹)

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً» که در این آیه «فی ذالک» جار و مجرور خبر مقدم بر «آیة» که اسم موخر إنّ است و علت تقدیم را می‌توان بیان اهتمام و عظمت کلمه آیه باید دانست چرا که لام ابتدا و تاکید نیز بر سر اسم ان یعنی کلمه آیهٔ آمده است.

«وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل‌عمران/۵۴)

«وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ»که در این آیه مکر و حیله ابتدا از جانب کافران و منکران حق صادر می‌شود و از جهت مشاکلهٔ خداوند نیز این مکر را به آن ها بر می‌گرداند از این جهت مکر با خداوند شروع نمی‌شود بلکه ابتدا آنها مکر می‌کنند سپس خداوند این مکر را به آنها بر می‌گرداند و علت تقدیم مکر آنان بیان قبح موضوع است.

«وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ» (آل‌عمران/ ۷۵)

در این آیه خداوند می‌فرماید که اهل کتاب دو گروه‌اند: گروهی به خاطر شرم از خیانت در امانت، امانت را به صاحبش بازمی‌گردانند و گروهی دیگر به بهانه مباح بودن خیانت به امانت در دین، آنان امانت را به صاحبش بازنمی‌گردانند و مراد این آیه سرزنش گروه دوم است؛ زیرا به گمان، آنان در دینشان خیانت به امانت مجاز است و از آنجاکه دین اسلام به انصاف شهره است خداوند باهدف رعایت انصاف در حق گروه اول «مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ» را بر مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ» مقدم کرده است.

و تقدیم مسند «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» در دو موضع دلالت بر ابراز تعجب نسبت به مضمون صله مسندالیه در این دو موضع دارد ابراز تعجب از ارزش بالای امانت از نظر مادی و امکان خیانت و داشتن بهانه شرعی برای خیانت در امانت در موضع اول و ابراز تعجب در موضع دوم از این‌که خیانت در امانت به خلق و خوی ذاتی پیروان یکی از کتب آسمانی تبدیل شده است. سپس خداوند با ذکر «ذَلِكَ

بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ» شگفتی بیشتری را ابراز می‌کند و به این ترتیب مسندالیه در دو موضع مزبور، بیشتر مخاطب را به حیرت می‌اندازد همچنین در فراز «عَلَيْهِ قَائِمًا» تقدم مجرور بر متعلق آن بیانگر توجه دادن به مجرور است و دلالت بر اصرار دارد، یعنی «إذا لم یکن قیامك علیه لا. لک امانتک» یرجع اگر بر او اصرار نکنی امانتت را برنمی‌گرداند.

تحلیل: در این آیه جهت انعکاس دلالت موجود باید ترجمه «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» در ابتدای آیه و ترجمه «عَلَيْهِ» پیش از «قَائِمًا» ذکر شود که الهی قمشه‌ای با رعایت تقدم و تأخر واژگان، آیه دلالت موجود را منعکس کرده‌اند؛ همچنین بهتر است از تعابیر جبرانی «آنچه موجب شگفتی است آن است که «شگفت آنکه» و ... داخل کروشه جهت انعکاس دلالت ابراز شگفتی نهفته در آیه استفاده شود.

همچنین این مسأله بسیار روشن است، که دروغگو- به خصوص در دین- اقرار به دروغگویی خود نمی‌کند، و چون به دروغگویی خود اعتراف نکند بسیار بعید است که اعتراف کند که می‌داند که دروغگوست یا اینکه به موضوعی بپردازد که در آن شک و تردید وجود دارد؛ در این آیهٔ شریفه، فعل بر اسم بنا شده است، که این خود بیانگر تأکید فعل و تحقق آن است. و همچنین اعلام موضوع به صورت یکباره، با اعلام آن بعد از تنبیه و مقدّمه‌چینی یکسان نیست؛ زیرا این مسأله از نظر تأکید و میزان تقویت، به منزلهٔ تکرار اعلام است، و از همین جاست که گفته‌اند: یک چیز وقتی مبهم باشد یا به عبارتی با ضمیر به آن اشاره شود، سپس تفسیر شده و رفع ابهام گردد، شکوه و عظمت آن بیشتر است از آنکه بدون تقدّم ضمیر ذکر شود. اینکه ما به طور یقیین می‌دانیم.

ترجمه پیشنهادی و [شگفت آنکه] در بین یهودیان، کسانی هستند که اگر ثروت هنگفتی را نزدشان به امانت گذاری، پسش می‌دهند و در بین آنان کسانی نیز هستند که اگر دیناری را نزد آنان به امانت گذاری پسش نمی‌دهند مگر اینکه مدام بر او اصرار کنی و این بدان جهت است که گفتند خوردن دارایی پیروان سایر ادیان برای یهودیان حلال است.

«افغیر دین الله یَبْغُونَ... » (آل‌عمران /۸۳) آیا، کافران دینی غیر دین خدا را می طلبند؟»

تقدیم همزه در این آیه دلالت بر اهمیت استفهام دارد و تقدیم کلام «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ» است و «غیر» به عنوان مفعول‌به منصوب بر فعلش «يَبْغُونَ» مقدم شده است زیرا مهم‌تر است از آن جهت که انکار نهفته در معنای همزه متوجه معبود باطل است.

تحلیل: در این آیه جهت مراعات دلالت نهفته در آن لازم است همزه استفهامی پیش از «ف» و مفعول‌به پیش از فعل ترجمه شود که الهی قمشه‌ای با رعایت تقدم و تأخر واژگان آیه، دلالت موجود را منعکس کرده است.

«قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (آل‌عمران /۸۴)

تحلیل: در این آیه، جار و مجرور در فراز «وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» مقدم شده تا این پیام را برساند که مراد از این اقرار ایمان و تسلیم تنها رضای خدا است و هیچگونه چشم‌داشتی ازجمله امید به جاه و مال ندارند. همچنین رعایت ضرب آهنگ آیات و هماهنگی با «یُرجَعُون» در آیه قبل و «الخسرین» در آیه، بعد از دیگر دلایل تقدیم جار و مجرور است.

در این آیه جهت انعکاس دلالت موجود که حصر است، باید از ادات حصر زبان فارسی نظیر «تنها، فقط، منحصرا استفاده کرد که الهی قمشه‌ای ما مطیع فرمان خداییم دلالت این آیه را منتقل نکرده است. ترجمه پیشنهادی و ما تنها به خاطر رضای او سر تسلیم فرود آورده‌ایم.

«كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ... » (آل‌عمران/ ۱۱۰) دلالت تقدیم در این آیه نشان می‌دهد که خصیصه امر و نهی، در عرف کلیه انسان‌ها خواه مؤمن خواه کافر خصیصه‌ای پسندیده است و همگان به برتری دارنده این خصیصه اعتراف می‌کنند و از آنجا که این آیه در مقام برتری دادن امت اسلام بر امتهای دیگر است، خداوند انگشت روی وجود خصیصه‌ای میان امت اسلام گذاشته است که هم مؤمنان و هم کافران نسبت به آن اتفاق نظر دارند دلالت دیگر تقدیم در آیه مزبور این است که امر به معروف و نهی از منکر به منزله حصار و حفاظ ایمان است و از آنجا که مردم حفاظ هر چیز ارزشمندی را پیش از آن بنا می‌کنند حفاظ ایمان از باب مراعات عرف، بر ایمان مقدم شده است.

تحلیل: همچنین می‌توان گفت ممکن است نوعی تعریض به اهل کتاب باشد آنان‌که ادعای ایمان می‌کردند اما نمی‌توانستند مدعی انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، باشند زیرا اهل کتاب جملگی نهی از منکراتی که مرتکب می‌شدند نمی‌کردند از این رو خداوند ذکر امر و نهی را مقدم کرد، زیرا آنان نمی‌توانند دعوی مشارکت در این فریضه را با اهل ایمان داشته باشند و ذکر ایمان را که اهل کتاب مدعی آن هستند مؤخر کرد تا به آنان بفهماند مادامی که ایمان ثمره‌اش را که امر به معروف و نهی از منکر است ندهد آن ایمان صحیح و کامل نیست. در این آیه جهت انتقال دلالت موجود باید ترجمه «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» بر «تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» مقدم شود و الهی قمشه‌ای با رعایت تقدم و تأخر واژگان آیه، دلالت موجود را منعکس کرده است.

«وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (آل‌عمران /۱۱۷) تقدیم مفعول‌به «أَنْفُسَهُمْ» بر فعل «يَظْلِمُونَ» دلالت بر اختصاص دارد یعنی «لم يقع وبال ظلمهم إلا بأنفسهم خاصة لا يتخطاهم إلى غيرهم» پیامدهای تلخ ظلمشان تنها گریبان‌گیر خودشان می‌شود و به دیگران نخواهد رسید؛ همچنین به خاطر مراعات فاصله بین آیات قبل و بعد و هماهنگی با «خالدون» در آیه قبل و «تعقلون» در آیه بعد مفعول‌به مقدم شده است که فاصله به علامت پایان هر یک از آیات در قرآن کریم اطلاق می‌شود.

تحلیل: در این آیه نیز جهت انتقال معنای اختصاص به زبان مقصد باید بر خلاف ساختار زبان فارسی که مفعول‌به بعد از فعل ذکر می‌شود ترجمه مفعول به «أَنفُسَهُمْ» پیش از فعل «يُظلِمُونَ» ذکر کرد که الهی قمشه‌ای دلالت آیه را منعکس کرده است. ترجمه پیشنهادی خداوند به آنان ظلم نکرد اما آنان تنها بر خودشان ظلم می‌کنند.

«... وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل‌عمران/۱۲۲)؛ و همیشه باید اهل ایمان به خدا توکل کنند.

الهی قمشه‌ای لفظ جلاله «الله» جهت إفاده معنای اختصاص مقدم شده است یعنی «عليه لا على غيره يكون التوكل».

تحلیل: در این آیه جهت إفاده معنای اختصاص در ترجمه باید از اداتی نظیر «تنها، فقط را استفاده کرد و لفظ جلاله را بر فعل مقدم کرد؛ اما از آنجا که در زبان فارسی فاعل در آغاز جمله می‌آید به ناچار مترجم باید جهت ارائه ترجمه‌ای روان و قابل‌قبول برای خواننده، فاعل را پیش از لفظ جلاله ذکر نماید که الهی قمشه‌ای به جهت عدم استفاده از ادات اختصاص دلالت آیه را منتقل نکرده است.

«بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل‌عمران /۱۲۵)

مقام فراز «وَ يَأْتُوكُمْ» مقام وعده است و در واقع ازنظر معنایی معطوف بر «يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ» است و در اصل باید بعد از «يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ» ذکر می‌شد؛ اما در این آیه معطوف بر معطوف‌علیه با هدف تعجیل در آرام کردن دل‌های مؤمنان و اطمینان دادن به آنان مقدم شده است.

تحلیل: طبق تفسیر مزبور فراز «وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ» اشاره به حضور آنی فرشتگان به عنوان نیروهای کمکی دارد، اما از نظر الهی قمشه‌ای این فراز اشاره به حمله سریع دشمنان اسلام دارد. از این رو طبق تفسیر، یونسی مترجم نتوانسته مفهوم و دلالت موجود در این آیه را به ترجمه منعکس کند؛ همچنین جهت انتقال دلالت آیه طبق تفسیر یون لازم است در ترجمه معطوف معنایی بر معطوف علیه مقدم شود.

ترجمه پیشنهادی آری اگر صبر داشته باشید و تقوای خویش را حفظ کنید، آنگاه بی درنگ به یاری شما خواهند آمد پنج هزار فرشته نشان دار که خداوند شما را با آنان یاری می‌کند.

«وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (آل‌عمران /۱۴۷)؛ اسلوب تقدیم و تأخیر در این آیه دلالت بر درخواست صعودی مرحله به مرحله دارد به این معنی که در مرحله اول با بیان «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا» بخشش گناهان صغیره را از خداوند خواستند، در مرحله دوم با بیان «وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا» به امید بخشش گناهان کبیره سطح درخواست خویش را بالا بردند و زمانی که چشم امید به بخشش گناهان و لغزشهایش بستند در مرحله سوم «وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» پا را فراتر گذاشتند و از خداوند خواستار نزول نصرت و رحمتش شدند . همچنین در فراز «وَ مَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا» تقدیم خبر کان بر اسم آن جهت دلالت بر قصر حقیقی مقدم شده است، زیرا «قَوْلَهُمْ» خبر مبتدای محصور، «أَنْ قَالُوا» است به عبارتی دیگر گفته آنان را محصور در «ربنا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا ...» کرده است؛ گفته‌ای که آنان به هنگام ابتلا به مصیبت ها و سختی‌های راه خدا بیان کردند که این قصر از موقعیت کلام استنباط می‌شود.

تحلیل: جهت انتقال دلالت درخواست صعودی، لازم است واژه‌ها طبق تقدم و تأخر موجود در آیه ترجمه شوند و جهت انعکاس دلالت حصر لازم است ضمن بهره جویی از ادات حصر زبان فارسی نظیر، تنها، فقط جزء و ... باید از ترجمه «قولُهُمْ» که خبر مقدم کان است، به‌صورت اسم کان اجتناب نمود که الهی قمشه‌ای دلالت اول را منتقل کرده اما با ترجمه «قَوْلَهُمْ» به‌صورت اسم کان نتوانسته است دلالت دوم را آن گونه که باید و شاید منعکس نماید. ترجمه پیشنهادی این کلام که پروردگارا! گناهان کوچک ما را ببخش و از گناهان بزرگ ما هم در گذر و گامهای ما را راسخ نما و ما را کافران پیروز گردان تنها کلام آنان بود.

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهُ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل‌عمران/۱۵۹)

تحلیل: در این آیه عفو پیامبر بر استغفار مقدم و هر دو بر مشورت مقدم شده‌اند تا بر این نکته دلالت کند که کوتاهی مؤمنان را نسبت به حقوقی که بر گردن آنان داری ببخش زیرا آنان در جنگ احد تو را تنها گذاشتند و سزاوار نبود که با تو چنین کنند و برای بخشش کوتاهی شان نسبت به حقوقی که خدا بر گردن آنان دارد استغفار کن به عبارتی دیگر، عفو پیامبر را مقدم کرد زیرا با عفو پیامبر مؤمنان لایق بخشش خداوند می‌شوند پس در این صورت مسئولیت آنچه میان اهل ایمان و پیامبر است از دوش آنان برداشته شد. مسئولیت آنچه میان اهل سپس ایمان و خداوند است نیز از گردن آنان ساقط شد و در این هنگام شایستگی مقام مشورت را یافتند.

همچنین تقدیم جار و مجرور دلالت بر حصر اضافی دارد یعنی «برحمة من الله لا بغير ذلك من أحوالهم» و این قصر اشاره ضمنی به این نکته دارد که عملکرد آنان سزاوار برخوردی تند است اما خداوند از باب لطف به مؤمنین و به خاطر حکمتی که خدا برای مدیریت این امت می‌داند رفتار رسولش را نرم و مهربان کرده است و «ما» بعد از «باء» جر تأکید جمله‌ای را که دارای قصر، است، بیشتر کرده است و افزایش تأکید دلالت بر آن دارد تقدیم تنها به خاطر إفاده اهمیت نیست بلکه إفاده قصر می‌کند. جهت انعکاس دلالت حصر موجود در آیه لازم است از ادات ویژه حصر در زبان فارسی نظیر تنها، فقط و ... استفاده کرد که الهی قمشه‌ای رحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوشخوی گردانید به جهت عدم استفاده از ادات حصر نتوانسته، این دلالت را به ترجمه منتقل کند.

شماره آیه	آیه ۵	آیه ۱۵	آیه ۲۰	آیه ۲۲	آیه ۲۵	آیه ۲۶	آیه ۲۸	آیه ۳۳	آیه ۳۶	آیه ۳۷	آیه ۴۱	آیه ۴۳	آیه ۴۵	آیه ۴۹	آیه ۵۴	آیه ۷۵	آیه ۸۳	آیه ۸۴	آیه ۱۱۰	آیه ۱۱۷	آیه ۱۲۲	آیه ۱۲۵	آیه ۱۴۷	آیه ۱۵۹	آیه ۱۶۵
تقدیم خبر کان بر اسم																							❊		
معطوف بر معطوف علیه																						❊			
لفظ جلاله را بر فعل																					❊				
تقدیم کلمه بر کلمه دیگر	❊							❊			❊	❊							❊						
تقدیم مبتدا به خبر		❊			❊																				❊
تقدیم مسند بر مسندالیه																❊									
تقدیم صفت بر صفت									❊						❊								❊		
تقدیم جارو و مجرور خبر بر اسم														❊								❊			
تقدیم جارو و مجرور بر مبتدا			❊	❊		❊	❊																		
تقدیم فضله‌ها بر یکدیگر								❊																	
تقدیم مفعول‌به بر عامل							❊																		
تقدیم مفعول‌به بر فعل																	❊			❊					
تقدیم جارو و مجرور بر فاعل										❊															
تقدیم جارو و مجرور بر خبر										❊								❊							
تقدیم صفت بر اسم									❊				❊								❊				
تقدیم جار و مجرور																								❊	

نتیجه‌گیری

با بررسی های انجام گرفته در این مقاله نتایج زیر به دست آمد:

۱. تقدیم و تأخیر در قرآن علاوه بر توجه به رعایت فواصل و ضرب آهنگ آیات بر مفاهیمی نظیر تعظیم، اهتمام، اختصاص، تقدم و تأخر زمانی و تاریخی، ابراز تعجب، تعریض تعجیل در بشارت و تسکین دلها و ... دلالت دارد.

۲. تقدیم و تأخیر اسلوبی است که با هدف دلالت بر معانی و مفاهیم، در آیات گنجانده شده است که عدم انعکاس آن در ترجمه علاوه بر خدشه‌دار کردن چینش واژگانی آیات پیام نهفته در چنین آیاتی را به ترجمه منتقل نخواهد کرد از این رو مترجمین بدون آگاهی و توجه به اسلوب تقدیم و تأخیر نمی‌توانند ترجمه‌ای قابل‌قبول ارائه دهند. پس می‌توان گفت تقدیم و تأخیر بسیار زیاد در رسیدن به معنای موردنظر مؤلف و پرده برداشتن از نکات معنایی و اسرار پنهان آیات سوره آل‌عمران مؤثر است.

۳. علمای نحو و بلاغت در مورد تقدیم و تأخیر آنگونه که باید و شاید نتوانسته است دلالت‌های انواع تقدیم و تأخیر نهفته در آیات دارای این اسلوب را به زبان فارسی منعکس کند و این کاستی گاهی به دلیل عدم آگاهی مترجم از دلالت تقدیم و تأخیر در آیات است و گاهی به تفاوت ساختاری میان زبان عربی و فارسی باز می‌گردد که مترجم ناگزیر شده است بین ترجمه‌ای تحت‌اللفظی مبدأگرا نامأنوس و بعضاً نامفهوم برای خواننده همراه با انتقال دلالت موجود به ترجمه و ترجمه‌ای معنایی، مقصدگرا روان و خواننده محور بدون انتقال دلالت موجود در آیه یکی را برگزیند.

۴. واقعیت آن است که انعکاس دلالتهای تقدیم و تأخیر در همه آیات دارای این اسلوب امکان‌پذیر نیست و باید پذیرفت ترجمه دلالت معانی مورد نظر را دستخوش تغییراتی می‌نماید.

۵. رعایت تقدم و تأخر واژگانی آیات در ترجمه آنجا که تقدیم و تأخیر بر مفاهیمی نظیر تکامل تدریجی از پایین به بالا تقدم و تأخر زمانی و تاریخی، ترتیب عملی انجام برخی تکالیف شرعی اهتمام و ... دلالت دارد، استفاده از ادات ویژه حصر و اختصاص در زبان فارسی نظیر تنها، فقط، منحصراً و ... آنجا که تقدیم و تأخیر بر اختصاص و حصر دلالت دارد و استفاده از واژگان جبرانی مناسب مقام آیه نظیر واژه‌های دارای بار معنایی تعجب، تهدید، تأکید و ... آنجا که این اسلوب بر مفاهیمی این چنینی دلالت دارد، ازجمله فنون ترجمه اسلوب تقدیم‌وتأخیر به زبان فارسی است.

منابع

۱. آلوسی، شهاب الدین. (بی تا). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲. الهی قمشه ای، مهدی. (۱۳۸۰). **ترجمه قرآن**. چاپ ۲. قم: فاطمه الزهراء.

۳. ابن الحجاج، مسلم. (۲۰۱۶). **صحیح مسلم**. الطبعة الأولی. ریاض: دارطیبة.

۴. ابن منظور. (۱۴۰۸). **لسان العرب**. الطبعة الأولی. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۵. ازهری، محمد بن احمد. (بی تا). **تهذیب اللغة**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۶. ثعلبی، احمدبن محمد. (۱۴۲۲). **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**. (ابو محمد ابن عاشور، محقق). بی‌جا: بی‌نا.

۷. الجرجانی،عبدالقاهر. (۲۰۰۸). **درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم**. (شکور محمد ادیب، مصحح). عمان(اردن): دارالفکر العربی.

۸. الجرجانی،عبدالقاهر. (۱۹۹۲). **دلائل الإعجاز فی علم المعانی**. (محمود محمد شاکر، محقق). قاهره: مطبعة المدنی.

۹. رضا، محمد رشید. (بی‌تا). **تفسیر المنار**. دمشق: دارالفکر.

۱۰. سیوطی، جلال الدّین. (۱۳۹۸ق). **الإتقان فی علوم القرآن**. استانبول: دار قهرمان.

۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۸ ق). **معترک الاقران فی اعجاز القرآن**. بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۲. شهبازی، محمود؛ و امیدعلی، احمد. (۱۳۹۶). «تقدیم و تاخیر و بازتاب آن در ترجمه قرآن». *پژوهش های ادبی قرآنی*، سال پنجم، شماره ۳. ۱– ۱۸.

۱۳. فراهیدی، خلیل ابن احمد. (۱۴۰۵ ق). **کتاب العین**. (خلیل السامرائی، محقق). بی‌جا: دارالهجرة.

۱۴. قُرَشِی، سید علی اکبر. (۱۳۷۴)، **تفسیر أحسَن الحدیث**. اصفهان: انتشارات نوید اسلام.

۱۵. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ ش). **قاموس قرآن**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۱۶. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۱۷. مقیاسی، حسن؛ و فرجی، مطهره. (۱۳۹۵). «تناسب ساختار با محتوا با توجه به دو نظریهٔ «نظم» و «آشنایی‌زدایی» (به محوریت سورهٔ مبارکهٔ «لیل»)». *پژوهش های زبان شناختی قرآن*. دوره ۵، شماره ۲. ۸۱–۱۰۴.

۱۸. هاشمی، احمد. (۱۳۸۱ش). **جواهر البلاغة**. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثالثة، العدد ٩، ربيع ١٤٠٢

صص: ٧٤_٥٧

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٤٨٧٤٠٦,١٠٤٥

تحليل ودراسة بلاغة التقديم والتأخير في سورة آل عمران من ترجمة الهي قمشه‌اي

آمنه محمدزاده [١]

سبحان كاوسى [٢]

محمد غفورى فر [٣]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٣,٠٨,١٦، تاريخ القبول: ١٤٠٣,١٠,٢٣)

الملخص

البحث في طريقة ترتيب الكلمات في عبارات القرآن الكريم واستبدال كلمة بكلمة أخرى، وذلك لزيادة جمال المظهر أو للتعبير عن معنى معين وفي العلم تمت مناقشة المعاني تحت عنوان «التقديم والتأخير»، وقد فسره علماء علوم القرآن والمفسرون عليه. تناول البحث الحالي مسألة «التقديم والتأخير» في سورة آل عمران، بهدف تقصي الجمال الخارجي و المضمون للقرآن الكريم في التفاسير العالمية والمعاصرة للقرآن باستخدام المنهج الوصفي التحليلي والذي تم تنظيمه من خلال جمع وتصنيف وتحليل الأشياء المذكورة في هذه السورة. وبعد ذكر أنواع التقديم والتأخير ودراسة العرض والتأخير القرآني من وجهات نظر مختلفة، والإشارة إلى التقديم والتأخير المذكور في سورة آل عمران، دلت النتائج على ذلك: أهم مقاصد التقديم والتأخير في آيات القرآن هي التحديد والتخصيص، التأكيد على أهمية الموضوع، التعبير عن الشرف والفضيلة، التعبير عن العظمة، التعبير عن الأولوية الوجودية، الاهتمام بالسياق، التعبير لقبح الموضوع والالتزام بفواصل الآيات. كما أن هذا البحث في بعض الحالات لم يقبل رأي السلف في بعض تغييرات الكلمات.

الكلمات المفتاحية: البلاغة، محاسن القرآن، التقديم والتأخير، سورة آل عمران.

---

١. طالب ماجستير، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: mohammadzadeh.ameneh

٢. أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: sobhan.kavosi@yahoo.com (المؤلف المسؤول)

٣. أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: m.ghafourifar٦٥@gmail.com